

یادی از پدر معنوی شیعیان مدینه

محمدرضا خادمیان

چکیده

شرح حال شیخ محمد بن علی عمّری (حدود ۱۳۳۰ - ۱۴۳۲ ق) و مجاهدات او در جهت ترویج و احیای فرهنگ شیعی در مدینه منوره در این مقاله بررسی شده است. عمّری پس از تحصیل در نجف (۱۳۴۹ - ۱۳۷۲ ق) به مدینه بازگشت. و در مدت حدود شصت سال اقامت در مدینه توانست به شیعیان آنجا انسجام فکری و مالی دهد.

کلید واژه‌ها:

عمّری، محمد؛ شیعیان مدینه؛ عالمان شیعه - قرن ۱۴ و ۱۵.

Abstract

In Memoriam Sheikh Muhammad al-`Amri of Medina

Muhammad Reza Khademiyan

This paper deals with the life and times of Sheikh Muhammad-al-`Amri (1330 _ 1432 AH), the spiritual and religious leader of the Shiite community of Medina. After receiving advanced Islamic education in Najaf (1349 _ 1372 AH), he returned to Medina. Since then, he was in charge of leading the Shiite community of Medina for sixty years, and led them in reaching intellectual and financial integrity.

الخلاصة

ذكرى عالم الشيعة في المدينة المنورة (الشيخ محمد العمري)

الشيخ محمد رضا خادميان

يعرض الكاتب سيرة الشيخ محمد العمري (حدود ۱۳۳۰ - ۱۴۳۲ هـ) وجهوده في حفظ وترويج معالم التشيع في المدينة المنورة، فقد رجع الشيخ العمري من النجف الأشرف إلى مدينة المنورة وأصبح فيها العالم الذي ترجع إليه الشيعة طيلة ستين عاماً.

یادی از پدر معنوی شیعیان مدینه

محمد رضا خادمیان



مرحوم عمری در سنین کهنوت

مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد عمری از علما و متنفذان روحانیت شیعه در مدینه منوره، و سالیان متمادی در آن جا مشغول ترویج و تبلیغ مذهب شیعه امامیه و حمایت از شیعیان بود.

پدر ایشان مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ علی عمری (ح ۱۲۶۹ - ۱۳۵۱ ق) نیز از علمای مدینه^۱، و مورد عنایت و توجه بزرگان و وکیل تعدادی از مراجع تقلید بود. به طوری که به مناسبت وفاتش، مرجع بزرگ شیعه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی در نجف اشرف با حضور علما مجلس ترحیمی در مدرسه مرحوم آیه الله شریانی برگزار کردند.

تاریخ ولادت مرحوم عمری دقیقاً معلوم نیست لکن برحسب نقل قول‌های متفاوت - که بعضاً از خود ایشان نقل شده - در فاصله سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ ق متولد شدند. تحصیلات ابتدایی را به همراه کار کشاورزی در کنار پدر در مدینه منوره گذراندند.

۱. گفته شده نسب سلسله خاندان «العمری» به محمد بن سعید العمری نایب امام زمان علیه السلام و فرزندش، عثمان بن محمد بن سعید العمری، بر می‌گردد که البته مستندی در این زمینه وجود ندارد (رک: مجله میقات حج، شماره ۷۴، ص ۱۷۲، به نقل از فرزند آن مرحوم، حجة الاسلام شیخ کاظم عمری). وجه دیگری در تلقیب ایشان گفته شده مبنی بر این که به دلیل انتساب به تیره‌ای از قبیله اوس یا خزرج و منسوب به «عمرو...»، عمری نامبردار شده‌اند (رک: مجله میقات حج، شماره ۲۴، ص ۱۸۲). گفتنی است به جهت اشتغال خاندان «العمری» به کار کشاورزی و نخل داری به آنها النخلین (خرماداران) نیز گفته می‌شد.



مرحوم عمری در آخر محرم الحرام ۱۳۴۹ به توصیه و ارشاد والد بزرگوارش جهت تحصیل علوم دینی با کاروانی از عراق که برای حج آمده بودند به همراه یکی از دوستان پدرش روانه حوزه علمیه نجف اشرف شدند. مرحوم عمری جریان مهاجرت به نجف اشرف را این گونه بیان کرده‌اند: «سال ۱۳۴۹ ق پدرم برای زیارت امام رضا علیه السلام از طریق دریا و کشتی از مسیر بمبئی در هندوستان به مشهد رفت که این سفر مجموعاً یک سال به طول انجامید، و در محرم سال بعد، از راه دریا به عراق رفت؛ و در آنجا تصمیم گرفت مرا از مدینه برای تحصیل به نجف اشرف گسیل دارد؛ چرا که دونفر - به نام شیخ مبارک و شیخ عطیه - به پدرم پیشنهاد کرده بودند فرزندت را برای تحصیل علم به نجف بفرست. پدرم مرا با شیخ عطیه به نجف فرستاد».

ورود ایشان به عراق در ۱۷ صفر المظفر ۱۳۴۹ رقم خورد. از این روتجیح دادند در آستانه اربعین امام حسین علیه السلام ابتدا به زیارت حضرت در کربلای معلی و بعد از آن به نجف اشرف مشرف شوند. زعیم وقت حوزه نجف اشرف، آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی، هنگامی که دریافتند ایشان فرزند شیخ علی عمری - وکیل و نماینده ایشان در مدینه منوره - هستند وی را بسیار تکریم و تبجیل کردند و مقدمات تحصیلش را فراهم آوردند. با این ترتیب فصل نوینی در زندگی مرحوم عمری در مجاورت معدن

علم و معرفت با تحصیل علوم دینی شروع شد. اما زمان زیادی از آغاز تحصیل نگذشته بود که رؤیای صادقی - که در آینده امارات صدقش آشکار شد - مسیر زندگی طلبگی و تحصیل وی را عوض کرد و آماده ابتلائات و امتحانات سختی شد. مرحوم عمری در عالم رؤیا خود را در خدمت امیرمؤمنان (علیه افضل التحیه والسلام) می‌بیند که حضرت از ایشان می‌پرسند: کجا می‌روی؟ عرض می‌کنند: مدینه. حضرت می‌فرمایند: «زود برگرد که از آنجا ناله‌ها برخواید خاست و حوادثی عظیم در راه است». بعد از این رؤیا و تشرف به حرم امن امیرالمؤمنین علیه السلام سه نفر از تجار مرتبط با پدر ایشان که واسطه هزینه‌های

۱. تفصیل این رؤیا از لسان مرحوم عمری شنیدنی است: «ماه صفر بود که به نجف یا کربلا رفتم. در محرم سال بعد که در مدرسه مهدیه نجف مقیم بودم در عالم رؤیا دیدم برای استماع روضه به بیت مرحوم سید بحرالعلوم عازم شده‌ام. وقتی می‌خواستم وارد بیت مرحوم بحرالعلوم شوم، دم در شخصی را دیدم با این اوصاف نشسته: مردی سینه فراز و چهار شانه که عمامه‌ای زیتونی رنگ بر سر داشت و تحت الحنک عمامه‌اش آویخته بود. فرمود: شیخ محمد؟ پاسخ دادم: بله، من شیخ محمد هستم. فرمودند: جلو بیا. وقتی نزد او رفتم فرمود: انا علی بن ابی طالب آیت لزیارة زائر ولدی الحسین الشیخ رجب؛ من علی بن ابی طالب هستم و برای زیارت و دیدار زائر فرزندم حسین، شیخ رجب آمده‌ام - شیخ رجب اهل تبّیت بود و به بیت مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی رفت و آمد داشت - حضرت فرمود: آیا بنا است به مدینه برگردی؟ عرض کردم: ممکن است به مدینه بروم. فرمود: اگر به مدینه رفتی فوراً به نجف بازگرد. پرسیدم: چرا؟ فرمود: لآنکه فیما بعد یصبح الویل؛ زیرا بعدها صدای ناله مردم مدینه برخواید خاست. این رؤیا در سوم یا چهارم محرم الحرام بود. بعد از آن سه نفر نزد من آمدند به نام‌های سید عبد الحمید حیوی، شیخ سعید صراف و شخص دیگری که شغلش عبا فروشی در نجف بود. وقتی پدرم به نجف رفته بود به اینان سفارش کرده بود که هزینه زندگانی مرا در نجف تأمین کنند و من از آنها پول خرجی خود را دریافت می‌کردم و پدرم نیز طلب آنها را به نجف می‌فرستاد. (مجله میقات حج، شماره ۲۴، ص ۱۸۴-۱۸۵ ملخصاً).



۱. شیخ محمد طاهر آل راضی نجفی (صاحب بداية الوصول فی شرح کفایة الأصول)؛
۲. علامه محمد رضا مظفر (۱۳۸۳ق)؛
۳. شیخ حسین حلی (۱۳۹۴ق)؛
۴. آقا ضیاء الدین عراقی (۱۳۶۱ق)؛
۵. میرزای نائینی (۱۳۵۵ق)؛
۶. سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ق)؛
۷. علامه محمد جواد مغنیه (۱۴۰۰ق).

دوران تحصیل در نجف اشرف با سخت کوشی و عسرت، ۲۳ سال به درازا کشید؛ چرا که بعد از رحلت عالم بزرگ مدینه منوره، شیخ مبارک العبیدی^۲، سرشناسان مدینه و قبائل نخاوله^۳ با ارسال نامه ای به آیه الله سید محسن حکیم خواستار بهره‌مندی از عالمی دینی در تعلیم و ترویج معالم دین مبین اسلام و مذهب تشیع شدند. از این رو مرحوم عمری، به امر آیه الله حکیم مأمور به بازگشت به مدینه منوره جهت تولی امور شیعیان و ترویج و تبلیغ دین شدند.

ورود مرحوم عمری در ۱۳۷۲ق با کوله باری از علم و معنویت به مدینه منوره مصادف با فشار بسیار حکومت آل سعود بر شیعیان بود. در این وضع که

۲. از سرگذشت وی اطلاعی به دست نیامد الا اینکه ایشان یکی از دو فردی است که به پدر مرحوم عمری پیشنهاد طلبگی وی را داده بودند.
۳. قبائل نخاوله، مجموعه‌ای از قبائل ریشه دار عرب هستند که نسب برخی از ایشان به قبائل اوس، خزرج، حرب، مزینة و ... برمی‌گردد. در حال حاضر قبائل نخاوله از ۲۱ قبیله تشکیل شده و مرحوم عمری از قبیله «دواید» است.

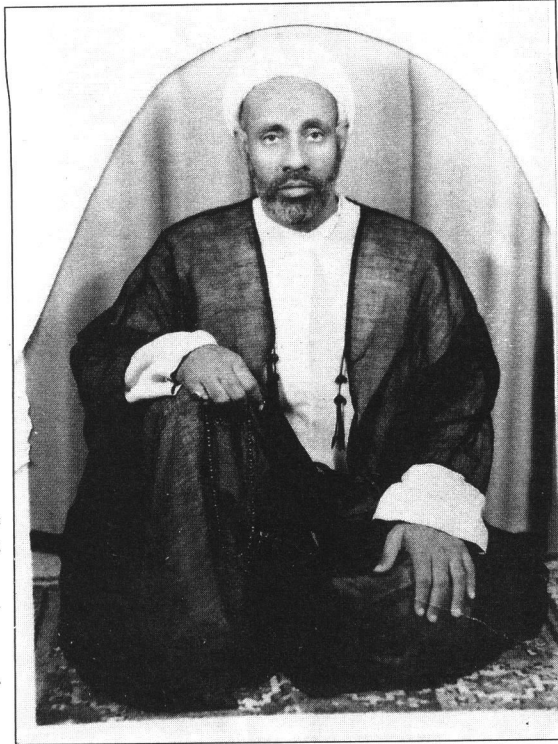
تحصیل مرحوم عمری در نجف اشرف بودند نزد وی می‌آیند و خبر ارتحال پدر بزرگوارشان (۱۳۵۱ق) را ابلاغ می‌کنند.

بعد اقامه مجلس ترحیم در نجف اشرف از سوی آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی و درنگ سه ماه، مرحوم عمری با استیذان از آیه الله اصفهانی روانه مدینه منوره می‌شوند. آیه الله اصفهانی ضمن اعطای هزینه یک حج نیایی به ایشان، تأکید به بازگشت سریع می‌کنند.

براین پایه، مرحوم عمری همراه با کاروان حجاج به مدینه منوره برمی‌گردد و مشغول سروسامان دادن به بیت والدشان می‌شوند. البته از ماترک پدرشان چیزی غیر از قطعه زمینی کم ارزش باقی نمانده بود. مرحوم عمری بعد از یک سال به همراه مادر به نجف اشرف باز می‌گردند؛ چرا که ایشان تنها فرزند ذکور خانواده بود و تنها یک خواهر داشتند که او هم بعد مدتی درگذشت. در آن زمان معیشت طلاب در نجف اشرف با سختی همراه بود و مرحوم عمری با همان شهریه مختصر تنها از عهده وسایل ضروری منزل و خوراک ابتدایی همچون نان برمی‌آمد.

در این دوران مرحوم عمری از اساتید خبره و شهره حوزه علمیه نجف اشرف استفاده کردند و به سطوح عالی علمی نائل شدند. از اساتید مبرز و معروف ایشان در نجف اشرف به این حضرات آیات می‌توان اشاره کرد:

۱. پدر بزرگوار ایشان هنگام بازگشت از حج در عسفان - محلی واقع میان مکه و مدینه - درگذشتند و همانجا به خاک سپرده شدند.



مرحوم عمری در سنین میانسالی

حکومت اراده کرده بود مدینه را از شیعه خالی کند مرحوم عمری مردانه استقامت کرد و با زعامت خود از تشّت و تسفیر شیعیان جلوگیری و کانون شیعه را در منطقه حجاز، مخصوصاً مدینه منوره، حفظ کرد. این امر با مرکزیت مسجد و تبلیغ و ترویج احکام الهی بلافاصله بعد از بازگشت ایشان به مدینه شروع شد. مرحوم شیخ ضیاء الدین آملی (۱۴۰۲ق)، فرزند آیه الله شیخ محمدتقی آملی و باجناب آیه الله سیدصدرالدین صدر، در نامه ای که در همان سال بازگشت مرحوم عمری به آیه الله صدر فرستاده اند در حاشیه متذکر شده اند: «فراموش کردم از وضعیّت مدینه پس از مرحوم طالقانی عرض کنم. اجمالاً آنکه فعلاً ابداً مقتضی نیست کسی اعزام شود؛ زیرا از جماعت نخواه شیخ محمد [بن] علی عمروی [کذا] (پسر مرحوم شیخ علی عمروی [کذا] مدنی) که اخیراً مشغول کسب و تجارت بود نظر دارد خودش قائم به امر شود و ظاهراً وکالت از آقای حکیم نیز تحصیل نموده و فعلاً مشغول انجام وظیفه و شبها در حسینیّه آل عمران اطعام و مسائل برای عدهای از نخواه می گوید...».

مرحوم عمری در مدّت اقامت شصت ساله خود در مدینه منوره منشأ آثار و تحولات بابرکتی شد؛ از جمله:



و برقراری عدالت و تساوی در حقوق شهروندی و ادای اعمال شرعی و مذهبی شد. البته این خروش مقدس و سرچشمه یافته از غیرت دینی بی هزینه نبود و بارها در معرض تهدید و تعدی قرار گرفت. به طوری که در آخرین اعتراض، دستگاه حاکم وهابی او را محکوم به اعدام کرد که با عنایات ائمه بقیع (سلام الله علیهم اجمعین) نجات یافت.^۱

گفتنی است مرحوم عمری - همچون والد بزرگوارش - امین و وکیل مراجع عظام تقلید بود. برخی از مجیزات و موکلات ایشان در حقوق شرعیه این حضرات آیات هستند:

۱. آسید ابوالحسن اصفهانی؛

۲. سید محمود شاهرودی؛

۳. سید محسن حکیم؛

۴. سید ابوالقاسم خوئی؛

۵. سید محمد رضا گلپایگانی؛

۶. شیخ محمد حسن آل یاسین؛

۷. سید عبدالاعلی سبزواری.

اوج رابطه مرحوم عمری با مراجع معظم تقلید در ایام حج نمودار می شد که نمایندگان مختلفی از

۱. انسجام شیعیان حجاز - مخصوصاً شیعیان مدنی - و جلوگیری از تشتت و وحدت روش در برگزاری اعمال و مناسک مذهبی؛

۲. سرپرستی و حمایت از شیعیان و طلاب مدینه منوره و تکریم و تضییف زائران؛

۳. اقامه باشکوه نماز جماعت و مجالس به مناسبت موالید و وفیات اهل بیت (علیهم السلام) و جلسات مذهبی هفتگی و خانگی؛

۴. کمک به رفع حوائج مادی شیعیان از طریق

صندوق های قرض الحسنه خیریه و اهدای کمک های بلاعوض و مساعدت در ازدواج جوانان کم بضاعت؛

۵. تشکیل حوزه علمیه و تربیت مبلغان و عالمان دینی

و راهی کردن آنان به مناطق مختلف عربستان

جهت تبلیغ؛

۶. حفظ اجتماع و پایگاه شیعیان در مدینه از طریق

تعامل مسالمت آمیز با اهل سنت و تقویت رابطه میان

تشیع و تسنن و رفع اختلاف شیعیان با اصلاح ذات

بین و میانجیگری در نزاع ها؛

مرحوم عمری در طول زعامت و مدیریت خویش در

مدینه به اندازه ای در خدمت به اسلام و شیعیان

خوش درخشید که به عنوان «پدر معنوی شیعیان

مدینه» مشهور شد. در واقع مرحوم عمری تمام

شیعیان را به مثابه یک خانواده بزرگ می نگریست و

خود را موظف به اداره و رسیدگی آنها می دانست. ایشان

بارها علیه تبعیض و ظلم بر شیعیان حجاز و مدینه

خروشید و با تذکر لسانی و مکتوب خواستار رفع آنها

۱. برخی از منابع جریان اعدام و توسل مرحوم عمری را به صدیقه طاهره (علیها السلام) نقل کرده اند که گذشته از اضطراب متن، مستند نیست (ری: مجله امتداد، شماره ۶۰، بهمن ۱۳۸۹؛ و پایگاه اطلاع رسانی حوزه). اما اخیراً در خاطرات منتشر شده مرحوم حجة الاسلام والمسلمین شیخ عباس محقق کاشانی (بر منبر خاطره، ص ۲۶۹) تفصیل این ماجرا از زبان مرحوم عمری تحت عنوان «کرامت ائمه بقیع (علیهم السلام)» به صورت مستند بازگو شده که بسیار خواندنی و درس آموز است.



مرحوم عمری در اواخر عمر شریف

نمونه درباره برجسته تر بودن قبور ائمه بقیع علیهم السلام نسبت به سائر قبور می فرمود: «مرقد ائمه بقیع علیهم السلام قبه و بارگاه داشت و وقتی تخریب شد آوارهای آن را برنداشتند و علت برجسته بودن آن، همین موضوع است». و در خاطره دیگری نقل می کرد: «بخشی از پنجره های قبرستان احد، زمانی ضریح قبور ائمه بقیع علیهم السلام بوده است». در تخریب بناهای مراقد قبرستان بقیع نیز یادآور می شدند: «در سنین کودکی که به زیارت قبرستان بقیع می رفتیم، این قبرستان دو در داشت؛ یکی شرقی و دیگری شمالی... فاصله بارگاه ائمه بقیع علیهم السلام تا بیت الأحران حدود ده تا پانزده متر بود و از پانزده متر به طور قطع تجاوز نمی کرد، و بیت الأحران در داخل بقیع قرار داشت. بر همه

بیوت مراجع تقلید با ایشان دیدار و در مورد برخی از مشکلات شیعیان و تشخیص و تعیین اماکن مناسک حج گفتگو و رایزنی می کردند؛ چراکه مرحوم عمری با توجه به عمر طولانی و با برکتی که داشتند اطلاعات خوب و مفیدی از تاریخچه قبرستان بقیع و اماکن متبرک مدینه داشتند^۱. به عنوان

۱. مرحوم عمری آگاهی های خوب و ذی قیمتی از شهر مدینه منوره و تاریخ قدیم آن داشتند. بسیاری از مکان های تاریخی و متبرک را شخصاً دیده بودند. ایشان از مکان بیت الأحران - در جنوب شرقی قبرستان بقیع - خبر می دادند که در ده سالگی به همراه مادرشان به زیارت آن مکان متبرک می رفتند. نیز از مرقد مطهر حضرت زهرا علیها السلام در خانه ایشان اطلاعات خوبی داشتند. مرحوم حجة الاسلام و المسلمین نجمی، از اعضای بعثه مقام معظم رهبری (دام ظلّه)، نقل می کردند: «در ماه رمضان ۱۴۲۶ق در مدینه با شیخ عمری دیدار کردم. وی گفت: زمانی که ما کودک بودیم، قبر حضرت زهرا علیها السلام در خانه اش با ارتفاع متمایزی از سطح زمین مشخص بود».



مالی فراوانی قرار داشتند. اما بعد از مهاجرت دوباره به همراه مادرشان به نجف اشرف خداوند گشایشی در معیشت مادی ایشان پدید آورد؛ چرا که توانست از راه خرید و فروش سنگ‌های زینتی و انگشتر و چادر و روسری توسط کاروان‌های حج که به مدینه منوره رفت و آمد داشتند، سرمایه‌ای اندک جمع‌آوری کند و در مدینه مزرعه‌ای بخرد. در این مزرعه چاهی وجود دارد که معروف است رسول خدا ﷺ به یک پیرزن یهودی هدیه کردند و دعا فرمودند که خداوند در آن خیر فراوان قرار دهد. این چاه که آب فراوان و با برکتی دارد در فضای تفتیده مدینه و مزرعه مرحوم عمری موجب برکت و توسعه شد. مزرعه مرحوم عمری از محله‌های خاطره‌انگیز مدینه منوره است. اماکنی همچون بئر غرس - چاهی که رسول خدا ﷺ به امیرمؤمنان (علیه السلام) وصیت کردند ایشان را با آب آن غسل بدهند - و مشربه ام ابراهیم در همین محله و نزدیک مزرعه ایشان است.

شیخ محمد عمری چند سال قبل از وفات یعنی در سال ۱۳۸۲ ش / ۱۴۲۴ ق سفری به عراق و ایران داشت که با تکریم و تجلیل مراجع عظام تقلید روبرو شد، با مراجع بزرگ و مقام معظم رهبری نیز دیداری گرم و صمیمانه داشتند.

عاقبت عمری بعد از عمری صبر و تسلیم در مقابل شدائد و ناملازمات^۱، مجاهده و تلاش در ترویج و

۱. مرحوم عمری سالیان متمادی در قنوت نمازهایشان از خداوند بزرگ چاره ساز چنین درخواست می‌کردند: «اللهم من علینا بالتوکل علیک و

این بارگاهها فرش گسترانده بودند و می‌گفتند: حاج آقا کمال شریعتمدار - از فرزندان آقا نجفی اصفهانی - آمد و لوله آب به قبرستان بقیع کشید که برای شستشوی حرم و آبیاری پاره‌ای از اشجار مورد استفاده قرار می‌گرفت. شخصی به نام حاج جعفر اصفهانی کفشدار این قبرستان بود. در ماه شعبان ۱۳۴۳ ق به دستور خاندان سعودی ویران کردن این قبور و بقیعه و بارگاهها آغاز شد و تا آخر ماه رمضان همان سال این ویرانی خاتمه یافت و بارگاه حضرت حمزه سیدالشهداء را نیز در آحد ویران ساختند».

کمتر کسی از شیعیان است - مخصوصاً در سال‌های اخیر که اجازه فعالیت بیشتری به شیعیان داده شده بود - که برای زیارت وارد مدینه منوره شده باشد و از مسجدی که در مدینه ندای «أشهد أن علیاً ولی الله» به گوش می‌رسد محظوظ نشده باشد. این مسجد و حسینیه و رقبات و ایسته مجموعاً در مزرعه شخصی مرحوم عمری واقع شده که از محل درآمد خودشان احداث و توسعه داده شده است. در کنار مسجد و حسینیه ایشان، مکانی به یاد و با تأسی به کریم اهل بیت (علیهم السلام)، در نظر گرفته شده، با عنوان «مضیف الإمام الحسن المجتبی (علیه السلام)» که هر روزه شیعیان در آنجا اطعام و پذیرایی می‌شوند.

همان طور که گذشت مرحوم عمری در ایام تحصیل در نجف اشرف در تنگناها و دشواری‌های



حفظ مذهب شیعه در منطقه حجاز و مدینه منوره، در اربعین سید الشهداء، امام حسین علیه السلام، در شب بیستم صفر المظفر ۱۴۳۲ ق (۱۳۸۹/۱۱/۴ ش) به علّت عارضه کبدی در جوار رحمت الهی و «عند ملیک مقتدر» آرام گرفت. مراسم تشییع و دفن در ۲۳ صفر المظفر با حضور گسترده شیعیان حجاز و اهل تسنن و گروه‌هایی از برخی کشورهای اسلامی انجام شد و دو نماز میت (به امامت سید علی ناصر سلمان از علمای احساء، و عبدالهادی الحمیدی از علمای مدینه) در حسینیه مرحوم عمری^۱، برایشان خوانده شد. پیکر مطهر در فاصله تقریباً نزدیک به ائمه بقیع علیهم السلام - حدود صد و پنجاه متری - دفن شد. مراجع عظام و بزرگانی از جهان اسلام با ارسال و انتشار پیام‌هایی درگذشت این عالم خدوم و صبور را تسلیت و تعزیت گفتند. همچنین مجلس ترحیمی (۱۳۸۹/۱۱/۱۳ ش) از سوی جامعه مدرسین قم، شورای عالی حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات

حوزه علمیه قم، جامعه المصطفی و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم با حضور علما و مراجع تقلید در مسجد اعظم قم منعقد گردید و نمایندگان آیة الله خامنه‌ای (دام ظلّه العالی)، با حضور در بیت مرحوم عمری پیام تسلیت ایشان را ابلاغ و از بازماندگان - مخصوصاً فرزند ارشدشان حجة الاسلام شیخ کاظم عمری - دلجویی کردند^۲.

در رثا و ماده تاریخ وفات ایشان شعرای عرب اشعار زیبایی سرودند از جمله علامه سید عبدالستار حسنی. این اشعار همراه زندگینامه فشرده این مرد خدوم و فداکار در کتاب اعلام المدینه المنوره (تألیف شیخ حسین واثقی، چاپ اول، قم، ۱۴۳۹، ص ۳۹۰-۴۲۲) چاپ شده است.

التفویض إليك و الرضا بقدرک و التسليم لأمرک حتى لا نحبّ تعجيل ما أخرت ولا تأخير ما عجلت».

۱. حسینیه پیشین مرحوم عمری - با نام حسینیه محسنیه - در نزدیکی مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد بلال و قبرستان بقیع قرار داشت. در همان حسینیه بود که در سال ۱۳۸۹ ق آیة الله سید محسن حکیم با مرحوم عمری ملاقات کرد و در جریان کارهای انجام شده ایشان قرار گرفت. همچنین در همان حسینیه در سال ۱۴۰۳ ق حجة الاسلام موسوی خوئینی‌ها به نمایندگی امام خمینی ره با ایشان دیدار و گفتگو داشت. اما آن حسینیه به بهانه احداث خیابان تخریب شد و حسینیه جدید در حاشیه شهر مدینه و در مزرعه شخصی مرحوم عمری احداث گردید. مزرعه فعلی نخلستانی در شرق مدینه است که مرحوم عمری بعد از خرید با احداث مسجد و حسینیه و امکانات رفاهی آن را وقف شیعیان کردند.

۲. کتابی مختصر (در ۱۸۸ صفحه) با عنوان آیة الله الشیخ محمد علی العمری سیرة و عطاء (بی جا، بی نا، چاپ اول، ۱۴۳۲ ق) به قلم شیخ صالح الجدعان از فضلالی حجاز منشتر شده است که برای مطالعه سرگذشت مرحوم عمری مفید است. مؤلف این کتاب را شخصاً به مؤسسه کتاب شناسی شیعه آوردند و اهدا کردند. در تدوین و تنسیق این نوشتار بخش‌های محدودی از آن مورد استفاده قرار گرفته است.